

خاستگاه عرفا و اندیشمندان



موضوع: مشاهیر

موقعیت: محله سرتخت

اثنی عشری و «اصول دین» را از خود به جا گذاشت و لایه‌لای تحصیل علم علیه رژیم پهلوی هم مبارزه می‌کرد. آیت‌الله حسین اثنی عشری در سال ۱۳۴۳ شمسی در ری درگذشت و مثل همه فقهایی که در ری می‌زیستند در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) دفن شد. از عالمان دوره معاصر که سال‌ها در محله سرتخت زیستند می‌توان از شیخ حسن منفرد، یکی از شاگردان آیت‌الله بهجت نام برد. خانه آیت‌الله شیخ رمضان زمانی، مؤسس مدرسه علمیه الزهرا (س) و مدرسه علمیه امام حسن مجتبی (ع) و یکی دیگر از عالمان دوره معاصر هم در سرتخت بود. شعبانعلی معتقد است شهید مرتضی آوینی را هم باید بچه سرتخت و یکی دیگر از مشاهیر این محله دانست. «محدوده محله سرتخت با گذشت زمان تغییر کرده و اگر جغرافیای قدیمی این محله را در نظر بگیریم باید از شهید مرتضی آوینی هم به‌عنوان یکی دیگر از اهالی سرتخت نام ببریم. شهید آوینی در پایگاه‌های مذهبی ری و کانون‌های عقیدتی سرتخت رشد کرد و در نهایت به یکی از چهره‌های شاخص دوران دفاع مقدس تبدیل شد.»

سرتخت از روزگار قدیم منطقه‌ای متفاوت بود. بخشی از این محله کهن سکونتگاه قشر مرفه و طبقه اعیان و بخشی دیگر محل زندگی فقها و عرفایی بوده که نزد مردم احترام فراوانی داشتند.

محمدباقر کمره‌ای، عالم شیعی و نویسنده و مترجم آثار متعددی همچون رساله در مکاسب محرمة، فروع دین و نصوص احکام یا فقه فارسی، ترجمه و شرح اصول کافی و... یکی از نخستین فقهایی است که در دوره قاجار در ری و محله سرتخت می‌زیست و برای حضور در مکتب شیخ عبدالکریم حائری به قم می‌رفت. شیخ محمدباقر کمره‌ای در سال ۱۳۷۴ در محله سرتخت درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد.

قدیمی‌های شهر ری، نزدیک بودن این منطقه به قم و سهولت در رفت‌وآمد به این شهر مذهبی را دلیل اصلی سکونت برخی علما و فقها در محله سرتخت می‌دانند. رضا شعبانعلی، از اهالی محله سرتخت در این باره می‌گوید: «آیت‌الله حسین اثنی عشری یکی دیگر از شاگردان شیخ عبدالکریم حائری بود که در محله سرتخت زندگی می‌کرد و هیئت اثنی عشری را در ری تاسیس کرد. آیت‌الله حسین اثنی عشری سال‌ها در قم زندگی می‌کرد اما پس از پایان تحصیلات حوزوی به ری برگشت و در همان محله سرتخت ساکن شد. او آثاری مثل «تفسیر



آیت‌الله حسن منفرد



جوانی شهید مرتضی آوینی



آیت‌الله اثنی عشری



شیخ محمد باقر کمره‌ای

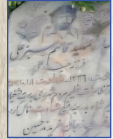
آسمانی‌ها

موقعیت: محله سرتخت شهری

موضوع: معرفی شهدا

اهالی محله سرتخت در مسیر پیروزی انقلاب و بعد از آن برای حفظ انقلاب نوپایشان فداکاری‌های زیادی کرده‌اند و در همین راه ۷۲ شهید داده‌اند. رضا شعبانعلی از رزمندگان زمان جنگ و اهالی قدیمی محله به معرفی بعضی از این شهیدان بزرگوار پرداخته است.

قاسم سبزی علی



قاسم دانشجوی رشته معماری و از خانواده مذهبی بود که به اتفاق برادرانش و انقلابی‌های محل در بیشتر راهپیمایی‌ها در شهری و

تهران شرکت می‌کردند. او تشکیلاتی با عنوان هیئت مذهبی محبان المهدی را به صورت بسیار پراپا کرده اعلامیه و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را مخفیانه بین مردم پخش می‌کردند. قاسم سبزی علی سرانجام در یک راهپیمایی که خود برنامه آن را چیده بود در روز دوشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ در میدان ری توسط عوامل ساواک به شهادت رسید.

محمد حسین (مهدی) تقوی راد



این شهید پسر حاج اسماعیل تقوی راد از کاسب‌های متدین و معتمد محل بود و با سن کمی که داشت همیشه در راهپیمایی‌ها شرکت

می‌کرد و حضوری فعال داشت. پس از تشکیل سپاه پاسداران به جمع سپاهیان پیوست. در سال ۵۸ شهید تقوی راد با تعدادی دیگر از هم‌زمانش به شهر پاوه اعزام شد. او در درگیری با ضداقلاب به اسارت درآمد و به طرز فجیعی به شهادت رسید.

حمید قلن بر



شهید قلن بر پنجم مرداد ۱۳۳۹ در شهری به دنیا آمد و در ۱۵ سالگی به گروه «توحیدی بدر» پیوست. این گروه از فعال‌ترین گروه‌های

هفتگانه سیاسی نظامی مبارز علیه حکومت شاهنشاهی بود. حمید از همان روزها به مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی برخاست. در مرداد ۱۳۵۸ به کمک مجاهدین افغانستان شتافت و پس از بازگشت، سیستان و بلوچستان را برای خدمت به مردم برگزید و ماندگار آن دیار شد. زمستان سال ۵۸ فرماندهی سپاه ایرانشهر به وی واگذار شد و تا تابستان ۵۹ فرماندهی سپاه زابل را بر عهده داشت تا اینکه به‌عنوان معاون سیاسی استاندار منصوب و تا فروردین سال ۶۰ در این پست خدمت کرد سپس مسئولیت واحد اطلاعات منطقه عرا پس از ۲ ماه اصرار مسئولان پذیرفت. او بارها و بارها توسط گروهک‌های ضداقلاب تهدید به ترور شد و سرانجام در ساعت ۱۰ شب دوشنبه، دوم شهریور ۱۳۶۰ در شهر کرمان، مقابل منزلش به‌دست عوامل ضداقلاب به شهادت رسید.

زن ثروتمندی که با خود روشنایی آورد



موضوع: برق خانوم

موقعیت: نزدیک مقبره خسروخان

اشرف امینی، ملقب به فخرالدوله، یکی از شاهزاده‌های قجری و از دختران مظفرالدین شاه بود. او در زمان خود به چنان ثروت و نفوذی رسید که جزو زنان قدرتمند روزگار محسوب می‌شد به طوری که بعد از برافتادن سلسله قاجاری و ضعف خاندانش، نه تنها از دنیای سیاست دور نماند، بلکه واسطه آشتی میان دودمان پهلوی با قجرها نیز شد تا از جنگ و کینه‌توزی بین آنها جلوگیری کند.

سید محسن ماجدی، تهران پژوه، ماجرای آوردن برق به محله سرتخت توسط فخرالدوله را چنین توضیح می‌دهد: «دهه ۲۰ شمسی نخستین

ژنراتور برق را اشرف‌الملوک فخرالدوله به محله ری و سرتخت آورد که به «برق خانوم» معروف شد. تا قبل از این ژنراتور، روشنایی حرم عبدالعظیم حسنی و کوچه‌های اطراف آن با نور شمع تامین می‌شد، ولی با آمدن برق خانوم، آستان حضرت، خانه‌ها و کوچه‌های اطراف هم از این ژنراتور تغذیه می‌کردند. چند سال بعد هم از محل کارخانه سیمان ری، یک کابل بزرگ و دو ژنراتور گول پیکر به حرم حضرت و محله آورده شد که گفته می‌شد بزرگی این ژنراتورها با کشتی تایتانیک برابری می‌کرد. مردم محله سرتخت در مقطعی دو منبع تولید برق داشتند و هم‌زمان از برق خانوم و برق تولیدی ژنراتور کارخانه سیمان، کوچه‌ها، معابر و خانه‌ها روشنایی می‌گرفت. بعد از فوت رضاشاه و ساخت مقبره او در محله ری، وضعیت تامین برق تغییر کرد و روشنایی معابر شرایط بهتری به خود گرفت. هم‌اکنون ژنراتور برق خانوم در زیرزمینی که نزدیک آرامگاه علامه شعرانی است، نگهداری می‌شود.»

فخرالدوله را بانی نخستین مؤسسه تاکسیرانی در تهران نیز می‌دانند. او زنی نیکوکار بود که در زمان حیاتش چندین مدرسه، بیمارستان و مسجد بنا کرد و خرج تحصیل و ازدواج بسیاری از جوانان بی‌بضاعت را بر عهده گرفت.

او در زمان حیات چندین دختر و پسر را به سرپرستی گرفته و به همه آنها در پارک امین‌الدوله اسکان داده بود. همچنین برای دختران دم‌بخت جهیزیه و برای پسران سرمایه لازم جهت اشتغال فراهم می‌کرد. ساختن چند مسجد و مدرسه،



بیمارستان و آسایشگاه در تهران، کهریزک، لشت‌نشاء و شاه‌آباد از دیگر کارهای او بود. فخرالدوله در سال ۱۳۲۹ به دلیل موقوفات آموزشی، از سوی وزارت فرهنگ به دریافت نشان سپاس نایل شد. او در زبانی که به عتبات داشت برای خود مقبره‌ای خریداری کرد تا در آنجا به خاک سپرده شود اما بعد از مرگ پسرش حسین امینی که در این بابویه در مقبره خانوادگی دفن شد وصیت کرد تا کنار پسرش در همان مقبره به خاک سپرده شود.